

تقدیم به فرماندهی گمنامی
که آرزوی شهادت در دلش شعله
می‌کشید و به برکت نامش
گرد هم آمدیم...

www.ketab.ir

سفر سرخ

مؤلف: نصرت‌الله محمودزاده



سفر سرخ

مناس: محمودزاد، نصرت‌الله، ۱۳۳۵ - | عنوان و نام پدیدآور: سفر سرخ
نویسنده: محمدرضا | مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید کاظمی،
۱۳۴۵. - مشخصات فیزیکی: ۳۲۰ ص. ۱۴/۵×۲۷/۵ س. م. | شابک: ۱۲۰-
روای: ۵۸-۱-۸۳۰۰-۷۸ | وضعیت فهرست نویسی: قیبا | موضوع:
علم الهدی، حسین ۱۳۲۷-۱۳۵۰ | سرگذشت‌نامه | موضوع: جنگ ایران و
عراق ۱۳۵۹-۱۳۶۷. - | شهیدان: سرگذشت‌نامه | موضوع: جنگ ایران و عراق،
۱۳۵۹-۱۳۶۷. - | داستان: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴، قرن

رده‌بندی کنگره: ۳۱۳۹۵م۸/ع۱۶۲۶ DSR | ردیف دیوبی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۸۱۷

مؤلف: نصرت‌الله محمودزاده
تألیف و تدوین: شمس‌الکلیله کاطمی
نویسندگان: شمس‌الکلیله کاطمی، سید محمدعلی حسینی
چاپ: نخستین بار در سال ۱۳۸۰ خ.
قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰
شابک: ۹۶۴-۷۶۰۰-۱۲۰۰-۵۸۱

چاپ و صحافی: مجتمع چاپ باقری
مدیریت هنری و آماده سازی: مؤسسه شهید کاظمی

تمامی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱ | شماره تماس: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶

۳۰۰۱۴۱۴۴۱ | سامانه یام کتاب: www.manvaketab.ir

عضویت در



 http://i.instagram.com/nashre_shahidkazemi

📌 <https://telegram.me/Nashreshahidkazemi>

باشگاه مخاطبان



مقدمه

در دل رویدادهای مهم تاریخ هر جامعه، نقش انسان‌هایی برجسته می‌شود که سرنوشت‌ساز بودند. شناخت این افراد بستری است برای ورود به نقاط عطف تاریخ آن جامعه. آشنایی این جانب با شهید حسین علم‌الهدی در جبهه سوسنگرد و هویزه، در اوایل حمله عراق به ایران فرصتی فراهم شد تا که ژرف‌نگری این جوان را کنتجکاوانه دنبال کنم. مقاومت او در برابر تانک‌های سرمست عراقی در دشت هویزه نقطه عطف این آشنایی بود. هنگامی که در غروب ۲ دی ۱۳۵۹ با جسد آغشته به خونس مواجه شدم، فهمیدم این جوان برگ زرینی از تاریخ این دیار خواهد شد.

جنگ که تمام شد، در صدد پیدا کردن جوهر حسین برآمدم. سرپوشه شناخت من چیزی نبود جز ناگفته‌های دوستانش. خانواده‌اش سنگ تمام گذاشتند. جای خالی صفحاتی از برگ زرین مادرش حتی برای من سخت بود. مادرترین سند و سنگ صبور حسین بود و در واقع این اواخر برایش پدری می‌کرد.

توفیق ملاقاتی کوتاه با مقام معظم رهبری برای زنده کردن خاطرات دوران حضور حسین در مشهد و روزهای اول جنگ سبب شد، ساختار کتاب را با ایشان در میان بگذاریم. ایشان فرمودند: «با مباحثی که به این صورت در این کتاب آمده است موافقم و بیان این خاطرات به صورت داستان اشکالی ندارد. اگر بخواهید وقایع آن

مقطع از تاریخ را به صورتی دقیق بنویسید، لازم است در وقتی مناسب حوادث مربوط به سال ۱۳۵۷-۱۳۵۶ مشهد را برایتان بیشتر توضیح بدهم.» دلم قرص شد و کتاب سرانجام گرفت.

وظیفه دارم از آنان که دوران همراهی با حسین را از صمیم قلب، بی هیچ کم و کاست برایم روایت کردند تا که در این سفر تنها نباشم، تشکر کنم. شاید باورتان نشود آخرین هم سفرم حسین بود و چند تن از دوستان شهیدش که شبی در عالم خواب تا صبح با هم همراه شدیم. کتاب را که تمام کردم، یک سوال اساسی رهايم نمی کرد. «آیا این حسین علم الهدی که من به مردم معرفی می کنم، خودش است، یا حسین ساخته می من؟» خیلی تلاش کردم که او، خودش باشد. آیا چنین شد؟ کتاب را به چند نفر دادم تا به پاسخی گرفته باشم. بهترین پاسخ را همان شب در عالم خواب، از حسین دریافت کردم.

«سه راه سوسنگرد ایستاده بودم که به هویزه بروم. حسین به اتفاق چند نفر از شهدای هویزه با همان لندکروز آن دوران رسید پیاده که شد، در آغوشش گرفتم.» جالب است بدانید سفر سرخ با همان دست نوشته های خودم زیر بغلش بود. با گلایه گفتمش: «پس تو کجایی حسین؟ این نوشته ها دست شما می کنند؟ و او بسیار راضی و خرسند با لبخند گفت: «پس می خواستی دست جانی باشد؟ نگران نباش. اگر ایرادی داشته باشد، خودم درستش می کنم. کتاب را تا حریف داد و به اتفاق با همان لندکروز به سوی هویزه حرکت کردیم.»

خیلی دلم می خواهد یک طوری هنگام خواندن این زندگی نامه روح حقیقی آن شب همراهی خود با حسین را به شما منتقل می کردم. به اعتقاد من هر کتاب دارای روحی است که در ورای کلمات و جملاتش نهفته است. برقراری ارتباطی صمیمانه با شخصیت اول این کتاب؛ یعنی دسترسی به همان روح که امیدوارم شما نیز از آن

بهره‌مند گردید. این روح را من در طول تحقیق درک نکردم، مگر آن شب که حسین با من همراه شد. و من هنوز نتوانستم راز این خواب شیرین را دریابم. پس اجازه دهید سفر سرخ را به شهدایی که هم‌راز حسین بودند، هدیه کنم. روحشان شاد.

طی هجده سال گذشت زمان، این کتاب در بیست نوبت با تیراژ بیش از صدویست هزار نسخه چاپ و در اختیار مخاطبین قرار گرفت. بعضی‌ها که حسین را می‌شناختند، با خاطراتی جدید از او یاد کردند، تا حدی که وظیفه دانستم همراه با مطالب جدید، سفر سرخ را باورور کنم. بنابراین کاهش حجم، ویرایش و چاپ جدید کتاب با توجه به نشر مخاطبین است. جمعی از دانشجویان -مخاطبین اصلی کتاب- اظهار می‌کنند با فرض پیدا کردن گمشده خود، این کتاب را می‌خوانند. بنابراین باید مراقب بود حسین به اسطوره‌ای دست نیافتنی تبدیل نشود. اگر دانشجوی حس کند، حسین هم دانشکده‌ای و هم دره‌ای و هم محله‌ای اوست، در این صورت است که در باور خود، حسین را الگویی می‌دهد. یادمان باشد که منبع اصلی تحقیق این‌گونه کتاب‌ها در سینه‌ها نهفته است. یک سؤال: «اگر حسین در عملیات هویزه شهید نمی‌شد، اکنون چگونه شخصیتی بود؟ این سؤالی است که می‌تواند خواننده را در مسیر تعالی قرار دهد. زندگی شخصیت‌ها الگویی است برای انتخاب راه، نه همه‌ی مسیر زندگی. این موضوع می‌تواند سرفصل خوبی برای غنی ساختن حوزه زندگی نامه‌داستانی به حساب آید. پس بگذاریم این پرونده دم‌پشان بازماند، بلکه رازهای نهفته در سینه‌ها برای ثبت در تاریخ بهتر مکتوب شود. اهمیت درک نیاز مخاطبین برای نویسنده، کمتر از درک و معرفی درست شخصیت اصلی کتاب نیست. پس فراموشم نکنید. (التماس دعا)

والسلام

نصرت‌الله محمودزاده

پاییز ۱۳۹۵